

## رهیافتی به ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ برای ارزیابی روایات

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

علی حسن بگی<sup>۱</sup>  
مجید زیدی جودکی<sup>۲</sup>

### چکیده

حدیث پژوهان برای ارزیابی روایات صحیح از ناصحیح معیارهای گوناگونی را برشمرده‌اند. عرضه حدیث بر مسلمات تاریخ یکی از این معیارها است. پژوهش‌گران حدیث همواره از معیار مذکور برای ارزیابی احادیث بهره برده‌اند؛ ولی تاکنون اصول و ضوابط عرضه روایات بر مسلمات تاریخ، به گونه‌ای شایسته مورد توجه قرار نگرفته است؛ لذا در این نوشتار شروط و ضوابطی برای این معیار برای پالایش روایات بیان گردیده تا روشمندان از معیار نامبرده استفاده شود. از جمله این ضوابط می‌توان به اجماع مورخان، سکوت مورخان، استمرار عمل در زمان اصحاب و نقادی کردن به شیوه محدثان اشاره کرد. در این نوشتار، همچنین آرای صاحب نظران درباره چرایی ملاک قرار گرفتن تاریخ برای اعتبارسنجی احادیث آورده شده که از جمله می‌توان به اعتماد پیشینیان به تاریخ برای ارزیابی، یقینی و قطعی دانستن مسلمات تاریخی و نیز اجتهادی و استنباطی نبودن قضایای تاریخی اشاره کرد. کلیدواژه‌ها: معیارهای ارزیابی روایات، عرضه حدیث بر تاریخ، نقد روایات.

### مقدمه

از آنجایی که حدیث دومین منبع معرفتی مسلمانان است، لزوم پالایش روشمندان آن بسیار مهم است. از این رو، حدیث پژوهان و ناقدان حدیث همواره سعی کرده‌اند احادیث

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک (a-hasanbagi@araku.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) (majidjody@gmail.com).

معصومان علیهم السلام، پاک و به دور از هرگونه نقیصه در دسترس قرار گیرد. آن‌ها در ابتدا ضوابطی برای ناقل حدیث وضع کردند تا از هرکسی روایت پذیرفته نشود؛ اما با همه تلاشی که در این راه مبذول داشتند، باز به دلایلی، احادیثی ناصواب و به دور از حقیقت در لابه لای احادیث وارد شد. بنا بر این، در مرحله بعد، معیارهایی برای طرد و پالایش احادیث جعلی وضع کردند. یکی از این معیارها مسلمات تاریخی است. هر چند ناقدان حدیث این معیار و میزان را در عمل به کار گرفته و احادیث را با آن ارزیابی کرده‌اند، اما تاکنون اصول و ضوابط عرضه روایات بر تاریخ به گونه‌ای شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. پیش از این پژوهش، در زمینه پیوند تاریخ و حدیث و نقد احادیث توسط تاریخ، تحقیقاتی انجام شده که می‌توان به: «پیوند تاریخ و حدیث در میان مسلمانان» از کمال صحرایی، «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث» از مجید معارف، «آسیب‌شناسی کیفیت به کارگیری تاریخ در تفاسیر» از حسین شجاعی و «سنجش انتقادی اخبار تاریخی تفاسیر» از عباس مصالایی پور اشاره کرد؛ ولی در هیچ‌یک از آن‌ها به اصول و ضوابط عرضه حدیث بر تاریخ پرداخته نشده است.

در این نوشتار، ابتدا از لزوم ارزیابی احادیث و معیارهایی که حدیث‌پژوهان برای مقابله با کژی‌های راه یافته به متون احادیث وضع کردند، سخن خواهیم گفت. سپس به دلیل و سبب قرارگیری تاریخ به عنوان معیار برای اعتبارسنجی احادیث پرداخته و در ادامه به بررسی و تحلیل موضوع نوشتار خواهیم پرداخت و بیان خواهیم کرد که مسأله نقد به طور کلی و مسأله نقد احادیث با مسلمات تاریخی به ناچار باید طبق قواعد محکمی صورت پذیرد که بتواند اجزاء گسترده آن را تحت پوشش قرار بدهد. بدین سبب شروط و ضوابطی برای این معیار بیان خواهیم کرد تا ناقدان با به کارگیری آن‌ها بتوانند روشمندانه احادیث را ارزیابی و نقد کنند؛ زیرا در غیر این صورت، نقدها غیرعلمی و گاه به تعارض‌های غیر واقعی میان احادیث منجر خواهد شد.

## ۱. ضرورت اعتبارسنجی احادیث

ضرورت نقد و ارزیابی احادیث را با توجه به چند نکته می‌توان بیان کرد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱-۱. اهمیت حدیث

سنت، بعد از قرآن، دومین منبع تشریح و شناخت اسلام است و مسلمانان آگاهی‌های خویش، از قبیل اعتقادات، حقوق، احکام، اخلاق و معارف را از آن برمی‌گیرند و حدیث

بیان‌گر سنت است. به عبارت دیگر، حدیث سازنده عقاید و باورهاست که مهم‌ترین دارایی هر فرد است و از آنجایی که شناخت آن‌ها متوقف بر شناخت سنت و احادیث صحیح است، صیانت از آن و سنجش و نقد آن ضرورت خواهد داشت.<sup>۳</sup>

#### ۲-۱. ضعیف شدن ملکه حفظ

با توجه به جریان منع نگارش احادیث و فاصله گرفتن از عهد صحابه، ملکه حفظ نزد اکثر روایان روبه فروکش نهاد و باعث شد روایان نتوانند روایات را به طور دقیق ضبط کنند و به فرض که اشخاصی همچنان از حافظه قوی برخوردار باشند، امکان وقوع عوارضی مانند وهم، سهو و نسیان در روایان وجود دارد. در نتیجه، نمی‌توانند احادیث را بروجه صحیح نقل کرده و باعث اختلاف در بین آن‌ها می‌شود.<sup>۴</sup>

#### ۳-۱. آحاد بودن احادیث

احادیث متواتر در متون روایی اندک بوده و بیشتر اخبار موجود آحاد هستند که احتمال صدق و کذب در آن‌ها وجود دارد و نه مفید علم هستند و نه مفید عمل. با این‌گونه احادیث، حجت و دلیلی در دین ثابت نمی‌گردد و بازشناسی سره از ناسره آن‌ها نیازمند اجتهاد و به کارگیری «نظر» است.<sup>۵</sup> شیخ مفید در این باره می‌گوید:

اصحاب حدیث، غث و سمین را نقل می‌کنند و در نقل بر [حدیث] معلوم و قطعی بسنده نمی‌کنند و درباره آنچه نقل می‌کنند، دارای تأمل و کاوش نیستند. در نتیجه، احادیث آنان مختلط است که جز با تأمل در اصول و تکیه بر نظر نمی‌توان به بازشناسی درست از نادرست آن احادیث پرداخت.<sup>۶</sup>

#### ۴-۱. ممانعت از نقل و تدوین احادیث

پس از درگذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل و نگارش حدیث با موانعی از جانب خلفای سه‌گانه و برخی صحابه مواجه شد. آنان با طرح دلایلی مانند: جلوگیری از اختلاف افتادن در بین مسلمانان، ترس از نسبت دادن خلاف به پیامبر، ترس از اختلاط قرآن با حدیث و نیز ترس از

۳. «نقد متنی و محتوایی احادیث و نقش آن در توثیق و تضعیف روایان»، ص ۳.

۴. «دراسات فی منهج النقد عند المحلثین»، ص ۲۳.

۵. «روش‌ها و معیارهای نقد متن حدیث در آثار شیخ مفید»، ص ۶۱.

۶. «المسائل السرویه»، ص ۷۳.

ترک قرآن و پرداختن به غیر آن، مردم را به ترک نقل و تدوین حدیث دعوت کردند. این سیاست موجب شد که بخش وسیعی از احادیث به تدریج فراموش یا مضمون آن‌ها تحریف شود یا جعل به این حوزه راه یابد.<sup>۷</sup>

#### ۵-۱. نقل به معنا

بدون تردید، بسیاری از احادیث معصومان علیهم‌السلام نقل به معنا شده و خود الفاظ و عبارات آنان به دست ما نرسیده است. این امر باعث شد فهم راوی واسطه میان فهم ما از کلام معصوم علیه‌السلام شود. به عبارت دیگر، مقصود معصوم، تبدیل به فهم راوی گردد و فهم راوی با ادبیات خود او بیان شود و از آنجایی که فهم راوی خطا بردار است و یک واسطه خطا را اضافه می‌کند. در نتیجه، سخن معصوم علیه‌السلام به شکل صحیح به نسل‌های بعد منتقل نشده و همین امر باعث بروز تعارض در روایت و مشکل شدن فهم آن گردید.<sup>۸</sup>

#### ۶-۱. اختلاف اخبار

اختلاف محتوایی روایات امری روشن است، که همگان بر آن اذعان دارند. تعارض ابتدایی روایات ممکن است با دقت و تأمل زایل شود؛ ولی اگر تعارض مستقر بود، برای حل آن باید از راه کارهای دیگر از جمله عرضه بر آرای اهل سنت و عرضه بر قرآن استفاده کرد. از این رو، برای برطرف کردن تعارض روایات، اعتبارسنجی آنان ضروری است.<sup>۹</sup>

#### ۷-۱. آسیب پذیری

متون روایی ما در مرحله صدور و گزارش، احتمال آسیب دیدگی فراوانی در زمینه تقیه، نقل به معنا، تقطیع، تصحیف، تحریف و... دارند که گاه معنای اصلی را مخدوش می‌کند. اعتبارسنجی محتوایی ناسازگاری احتمالی این متون را بر ملا می‌سازد.<sup>۱۰</sup>

#### ۲. معیارهای ارزیابی

حدیث پژوهان برای شناخت سره از ناسره - که در گذر زمان به احادیث راه یافته‌اند -

۷. نقد المتن عند المحدثین، ص ۱۶.

۸. «نقل به معنا در حدیث؛ ابعاد و آثار آن»، ص ۱۱۳.

۹. منطقی فهم حدیث، ص ۵۱۸.

۱۰. همان، ص ۵۱۷.

معیارهایی عنوان کرده‌اند. این معیارها از یک سوناظر به سند حدیث و از سوی دیگر، ناظر به متن احادیث هستند. نخستین معیاری که برای صیانت احادیث و جلوگیری از ورود احادیث وضعی به کار گرفتند، سند خواهی بود.

## ۱-۲. مستند کردن اخبار

نخستین معیاری که محدثان برای شناخت غث و سمین احادیث به کار گرفتند - که مانند سدی مستحکم جلوی ورود بسیاری از احادیث نامعتبر را گرفت - این بود که هیچ حدیثی را بدون سند از راوی نمی‌پذیرفتند. هر چند پیشینه‌ای از به کارگیری سند در احادیث در دست نیست، اما از برخی مطالب محققان برمی‌آید که راویان در ابتدا سند را به کار نمی‌گرفتند، بلکه به دنبال رخداد وقایع و حوادثی در جامعه اسلامی بود که راویان سند را به کار گرفتند. ذهبی در این باره می‌گوید:

از آنجا که صحابه به عدالت و امانت نامور بودند، هرگز از یکدیگر درباره اسناد روایات نمی‌پرسیدند؛ اما در دوره تابعان - که دروغ بودن برخی از احادیث آشکار شد - هیچ حدیثی را جز با قید سند و عدالت راویان آن نمی‌پذیرفتند.<sup>۱۱</sup>

ابن سیرین نیز می‌گوید:

لم یكونوا يسألون عن الأسناد، فلما وقعت الفتنة، قالوا: سئوا لنا رجالكم؛<sup>۱۲</sup>  
[راویان] پیشتر، از سند حدیث سؤال نمی‌کردند تا آن‌که فتنه (وضع) اتفاق افتاد.  
پس از آن می‌پرسیدند: رجال خود را برای ما نام ببرید.

به هر حال، شروع به کارگیری سند هر وقت که باشد، استعمال آن باعث اعتبار و اطمینان به احادیث شد و راوی نیز وقتی خبری را با سند به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌داد، احساس آرامش می‌کرد؛ چرا که دیگر به تنهایی مسئولیت درستی و نادرستی خبر را به دوش نمی‌کشید؛ بلکه دیگر افراد زنجیره را نیز در مسئولیت تحمل درجه صحت این خبر با خود شریک می‌دانست. بنا بر این، با توجه به عوامل بالا، راویان به سند روایت توجه کردند و همه اهتمام خود را به کار بستند تا روایت را از مصدر اصلی آن بشنوند. شواهدی وجود دارد که حاکی از آن است که چه بسا یک راوی در پی توثیق و اسناد حدیثی واحد، از سرزمینی به سرزمین دیگر سفر می‌کرد و در

۱۱. التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵.

اثر این تلاش‌ها جمع کردن اخبار جزئی از فرهنگ عامه در آن زمان شده بود؛ بدین صورت که راویان می‌گشتند و احادیث و روایات را در هر شهری یکی یکی جمع می‌کردند.<sup>۱۳</sup> البته بعدها مورخان نیز به تاسی از محدثان در نقل اخبار از همین شیوه بهره گرفتند. بنا بر این، «مورخان قاعده تکنیکی و معروف مستند کردن اخبار را از محدثان تقلید کردند. گزاره نخواهد بود اگر گفته شود خاستگاه مطالعات تاریخ اسلامی حدیث بوده است؛ به گونه‌ای که توجه به علم حدیث، منجر به مطالعات تاریخی گردید».<sup>۱۴</sup>

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که راویان در ابتدا لزومی به ذکر سند نمی‌دیدند، ولی بعدها در اثر جعل احادیث، ضروری دیدند که سلسله سند را ذکر کنند؛ اما مشکل با ذکر سلسله سند برطرف نشد، بلکه برخی سند جعلی درست می‌کردند که پژوهش‌گران حدیث، برای ارزیابی سلسله سند به پی‌ریزی دانش رجال اقدام کردند و سند احادیث را بر پایه آموزه‌های دانش رجال ارزیابی می‌کردند.

## ۲-۲. عرضه روایات

با همه تلاشی که حدیث پژوهان برای احتراز و دوری جستن از نقل روایات از ضعف‌ها به خرج دادند، اما باز برخی روایات ضعیف در متون رسوخ پیدا کرد که ناقدان را بر آن داشت تا برای متون احادیث نیز معیارها و ضوابطی را مشخص کنند. سند و متن دورکن اصلی حدیث هستند که هیچ یک از دیگری منفک نیست. بنا بر این، ارزیابی یکی بدون دیگری به تنهایی کافی نیست. از طرف دیگر، بسنده کرده به نقد سندی به تنهایی چاره‌ساز مشکل نبود؛ چرا که احتمال سهو، نسیان و خطا حتی در راویان ثقه وجود داشت. از سوی دیگر، درباره برخی از راویان اختلاف نظر وجود دارد و ناقدان نظریکسانی درباره آن‌ها نداشته‌اند.<sup>۱۵</sup>

دیگران که تاریخ‌گواه آن است که برخی از حدیث‌سازان هوشمند احادیثی با سند صحیح، جعل و به معصومان عليهم السلام نسبت داده‌اند.<sup>۱۶</sup> این موارد و موارد دیگری باعث شد ناقدان و حدیث‌پژوهان به ارزیابی متون و محتوای احادیث پرداخته و برای اعتبار متن حدیث معیارهایی وضع کنند. در برشمردن معیارهای نقد متنی و محتوایی روایات، میان

۱۳. بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب، ص ۳۴.

۱۴. «روش تاریخ‌نگاری محمد بن جریر طبری (پیوند تاریخ و حدیث)»، ص ۳۳.

۱۵. «تقدم تجویزی نقد سند یا متن»، ص ۱۳۵.

۱۶. «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث»، ص ۱۶.

صاحب نظران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی مورد اتفاق است و برخی دیگر اختلافی است؛ از جمله این معیارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) **عرضه متن بر نصوص قرآن کریم:** از آنجایی که روایات صادره از معصومان علیهم‌السلام در اصل حجیت و در تأیید محتوا، متکی به قرآن هستند، لازم است که بعد از صحت سند، از لحاظ دلالت، بر قرآن عرضه شوند تا در صورت عدم مخالفت آن‌ها با قرآن، مورد عمل قرار گیرند.<sup>۱۷</sup>

ب) **عرضه متن بر سنت مقطوع:** سخن منسوب به هر متکلم را باید با نقل‌های مسلمی که از او رسیده ارزیابی کرد؛ در صورتی که مخالف گفتار یا کردار یا تقریر قطعی او باشد، باید کنار گذاشته شود. از این رو، احادیث غیر قطعی منسوب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را باید بر سنت قطعی حضرت عرضه کرد و در صورت مخالفت به کناری نهاد.

ج) **عرضه متن بر عقل سلیم:** شکی نیست که عقل تمیزدهنده حق از باطل و صحیح از سقیم است. از این رو، یکی از منابع استنباط در فهم معارف دین عقل است، به وسیله عقل نبی از متنبی، معجزه از سحر و حدیث معتبر از نامعتبر شناخته می‌شود.<sup>۱۸</sup>

د) **عرضه متن بر مسلمات علوم تجربی:** پاره‌ای از روایات در موضوعات دانش‌های تجربی، از جمله آفرینش یا داستان‌های قرآن و حتی برخی روایات تفسیری به موضوعاتی می‌پردازند که در حیطه علم قرار می‌گیرند و از آنجا که نقد و بررسی هر حدیثی باید متناسب با محتوای آن باشد، لذا علم می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای مهم در ارزیابی این روایات مورد استناد قرار گیرد. نکته قابل توجه در این ملاک آن است که مخالفت متن حدیث با هر فرضیه علمی که هنوز صحت آن به طور قطع و یقین ثابت نشده نیست، بلکه مراد امور قطعی و مسلم علوم تجربی است.<sup>۱۹</sup>

ه) **عرضه متن بر گزارش‌های معتبر تاریخی:** یکی دیگر از ملاک‌های مهم در نقد متون احادیثی که حاوی گزارش‌های تاریخی است، عرضه این متون بر گزارش‌های معتبر تاریخی است. برجستگی معیار تاریخ نسبت به معیارهای بالا این است که تنها در ارزیابی متن احادیث تاثیرگذار نبوده، بلکه در ارزیابی سندی نیز به حدیث پژوه کمک می‌کند؛ بدین

۱۷. «روش‌ها و معیارهای نقد متن حدیث در آثار شیخ مفید»، ص ۶۵.

۱۸. کیفیت تحلیل و نقد حدیث، ص ۱۳۰.

۱۹. «اعتبارسنجی نقد حدیث بر پایه علوم تجربی»، ص ۴۲.

صورت که گاهی با دراختیار دادن اطلاعاتی از قبیل عقاید، اخلاقیات، سوانح زندگی و زمان مرگ راویان به محدث کمک می‌کند که آیا سند حدیث دارای اتصال است یا دچار قطع و ارسال، و اصولاً چنین روایتی تا چه اندازه منسوب به راوی است و تا چه اندازه قرین صحت است. گاهی نیز با تکیه بر حوادث و جریان‌های قطعی تاریخی امکان نقد و تحلیل مفاد و مضمون برخی از احادیث را فراهم و میزان اعتبار محتوایی آن‌ها را مشخص می‌کند.

### ۳. چرایی ملاک قرار گرفتن تاریخ

به نظر می‌رسد آنچه حدیث‌پژوهان را بر آن داشت که به تاریخ به عنوان معیاری برای اعتبارسنجی احادیث روی بیاورند، قاعده عقلایی بود و آن این‌که چون احادیث واحد، ظنی هستند، وقتی با یک امر مسلم و قطعی (تاریخ مسلم) تعارض پیدا کنند، به کنار نهاده می‌شوند. البته برخی منشأ تکیه محدثان به معیار تاریخ را شرع می‌دانند؛ چراکه معتقدند چون قرآن به تاریخ به عنوان یک معرفت بشری توجه کرده، محدثان نیز به آن عنایت کردند. در زیر به برخی نظرات در این زمینه اشاره می‌شود:

نویسنده فلسفه تاریخ ابن‌خلدون در این باره می‌گوید:

اشاره به هدف، ماهیت و شیوه علم تاریخ در اسلام مسبوق به همان آغاز ظهور اسلام است و آن را می‌توانیم در قرآن کریم و در میان احادیث بیابیم. این اشارات طبعاً اجمالی و کلی است و در پیرامون (پیوند) خدا با تاریخ بشر و تأکید بر ناپایداری زندگی آدمیزادگان در این سرای، دور می‌زند و سودهای دینی و اخلاقی و عملی تاریخ را در انداز و دادن اندرز و عبرت تأکید می‌کند. به مسلمانان تکلیف می‌شود درباره دگرگونی‌های زندگی خاکی، سرافرازی و سرنگونی پادشاهی‌ها و پاداش و کیفر خدا به اقوام گذشته که در خوشبختی‌ها و بدبختی‌های آنان آشکار گردیده است، بیندیشند.<sup>۲۰</sup>

اقبال لاهوری نیز نظری مشابه داشته و تاریخ یا به تعبیر قرآن (ایام الله) را منبع سوم معرفت می‌داند. وی در این باره می‌گوید:

قرآن به تاریخ، به عنوان منبعی از معرفت بشری، توجه داشته و یکی از اساسی‌ترین اصول نقادی‌گری تاریخی را در اختیار ما گذاشته است؛ چراکه

۲۰. فلسفه تاریخ ابن‌خلدون، ص ۱۷۰.



سجیه و منش شخص مخبر را عامل مهمی برای داوری کردن درباره گواهی او به شمار آورده است.

سپس ادامه داده و می‌گوید:

دعوت قرآن به کسب تجربه، ضرورت یقین پیدا کردن به صحت انتساب احادیث نبوی، محدثان را ترغیب کرد به تاریخ روی آورده و بدان اعتماد کنند.<sup>۲۱</sup>

شخص دیگری اعتماد و اطمینان حدیث پژوهان پیشین به ملاک تاریخ را برای ارزیابی روایات دلیل عرضه روایات به تاریخ دانسته است.<sup>۲۲</sup> برخی دیگر بر این باورند که دلیل محدثان برای انتخاب این ملاک و معیارها، ثابت و یقینی و قطعی بودنشان بوده است. به عبارت دیگر، می‌گویند همان طور که محدثان برای اعتبارسنجی روایان به شیوه مقارنه و مقابله متوسل شدند، بدین گونه که بین روایات راوی مورد بررسی با روایات ثقات مقابله انداختند و در صورت موافقت، او را توثیق می‌کردند، برای ارزیابی متون نیز به یک سری اساس و اصول - که نزدشان یقینی و قطعی و ثابت بودند - روی آوردند و آن‌ها را معیار قرار دادند تا در صورت موافقت متن با آن‌ها متن را توثیق و در صورت مخالف، متن را رد کنند.<sup>۲۳</sup> خطیب بغدادی نیز گفته چیزهایی را ملاک قرار می‌دادند که نزد آنان مقطوع و یقینی بود؛ زیرا عمل به مقطوع و معلوم در هر حال واجب است.<sup>۲۴</sup> نویسنده دیگری بیان داشته:

تاریخ، حکایت‌گرو قایع خارجی است که عده قابل اعتنایی آن را دیده و نقل کرده‌اند و نمی‌توان به گزارشی که با چنین قطعیات و مسلماتی، اختلاف و تعارض مستقر دارد به دیده حدیث صادر شده از معصومان علیهم‌السلام نگریست؛ زیرا در کار معصومان علیهم‌السلام خطا راه ندارد و آنان بهتر از هر کسی با قطعیات و مسلمات آشنایی دارند.<sup>۲۵</sup>

اندیشمند دیگری با توجیه متفاوتی دلیل معیار قرار گرفتن تاریخ را چنین دانسته:

ذلک أن التواریخ لیست محلاً للاجتهاد والاستنباط، ومن خاض فی مثل هذا کان

۲۱. احیای فکری دینی در اسلام، ص ۱۵۹.

۲۲. «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث»، ص ۳۳.

۲۳. اصول منهج النقد عند المحدثین، ص ۵۰.

۲۴. الکفایة فی علم الروایة، ص ۴۳۲.

۲۵. «نقد متنی و محتوایی احادیث و نقش آن در توثیق و تضعیف روایان»، ص ۱۶.

خائضا فی ضرب من الکھانۃ والتنجیم والعیاذ باللہ، فمن هنا کانت وسیلۃ للنقد و التوثیق؛<sup>۲۶</sup>

تاریخ از آن جهت وسیله‌ای برای نقد و توثیق قرار گرفته که محل بروز و ظهور استنباط و اجتهاد در آن نیست؛ چراکه هرکس با استناد به استنباط و اجتهاد در مورد وقائع نظر بدهد، به گونه‌ای در علم نجوم و کھانت فرورفته است.

به عبارت دیگر، این نویسندگان معتقد است تاریخ مانند نجوم و کھانت نیست که مورخ با استناد به حرکات فلکی و رمل و جفر درباره گذشته و حال، خبری داده باشد، بلکه تاریخ گزارش و حکایت وقایعی است که در خارج رخ داده است و علمی است که ما را از رخدادهای پیشین و آنچه بر پیشینیان گذشته است آگاه می‌سازد. بنا بر این، شایسته است معیاری برای سنجش احادیث قرار بگیرد.

ادلبی معتقد است مجرد مخالفت تاریخ موجب ردّ حدیث نمی‌شود، بلکه تاریخ باید از نوعی ثبوت و جزمیت برخوردار باشد و منظور از عرضه حدیث بر تاریخ نیز همین حقیقت تاریخی و امر جازم است؛ به دلیل آن که روایات واحد، ظنی هستند و جایز نیست با امری که قطعی هست یا شبیه به قطع، مخالفت کنند.<sup>۲۷</sup>

حسن عثمان، از مورخان معاصر، حقیقت تاریخی مورد اشاره را حقیقت مطلق نمی‌داند؛ چراکه دست‌یابی به چنین حقیقتی به خاطر از بین رفتن ادله، ناپدید شدن آثار حوادث و همچنین وجود اغراض و مصالح در بیان رخدادهای امکان‌ناپذیر است. بنا بر این، حقیقتی که مورخ بدان دست می‌یابد، حقیقتی صحیح و نسبی است و هر چقدر میزان صدق و درستی در آن بیشتر شود، بر میزان صحت آن افزوده می‌شود.<sup>۲۸</sup>

#### ۴. ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ

حدیث پژوهان گزاره‌های مسلم تاریخی را به عنوان مقیاسی برای تمییز روایات مقبول از روایت مردود به کار گرفته‌اند؛ لکن آنان برای این مسأله قواعدی که برای اجزای گسترده آن حاکم باشد، وضع نکرده‌اند. نگارنده با تتبعی که در منابع حدیثی و تاریخی انجام داده، به برخی از این ضوابط دست یافته که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲۶. منهج الامام ابن حجر فی توثیق متون السنه النبویه، ص ۸۲.

۲۷. منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، ص ۳۲۱.

۲۸. منهج البحت التاريخی، ص ۲۱.

#### ۴-۱. اجماع مورخان

از جمله مواردی که کمک می‌کند تا اصل یک رخداد تاریخی و همچنین کیفیت وقوع آن تأیید شود، اجماع و اتفاق نظر مورخان است. در تاریخ، همان‌طور که ابهامات زیادی وجود دارد، موارد بی‌ابهام نیز فراوان یافت می‌شود و همین موضوع مورد اتکای حدیث پژوهان قرار گرفته است. حدیث پژوهان گزاره‌های مورد اتفاق مورخان در مورد یک واقعه یا رویداد تاریخی را به عنوان مقیاسی برای ردّ روایت به شمار آورده‌اند. این قاعده یکی از ضوابطی است که محدثان بر آن تکیه کرده و روایت را در صورت مخالفت با چنین اجماعی ردّ کرده‌اند.

**نمونه اول.** در ضمن یک روایت آمده است که امام جواد علیه السلام در سن ۲۵ سالگی و در زمان خلافت واثق بالله به شهادت رسید.<sup>۲۹</sup> مجلسی این روایت را به خاطر مخالفت با اجماع مورخان ردّ کرده است؛ چرا که مورخان اتفاق دارند بر این‌که واثق بالله در سال ۲۲۷ ق به خلافت رسید؛ در حالی که شهادت امام جواد هفت سال یا بیشتر، از این تاریخ اتفاق افتاده است.<sup>۳۰</sup>

**نمونه دوم.** احمد بن ابی عبد الله گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: ذوالفقار شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله از کجا بود؟ فرمود: جبرئیل آن را از آسمان آورده بود، و زیور آن نقره است و آن شمشیر هم اکنون نزد من است.<sup>۳۱</sup> علامه شعرانی این روایت را مردود دانسته؛ چرا که با اجماع و اتفاق مورخان و سیره‌نویسان مخالف است. آنان به اتفاق گزارش کرده‌اند که ذوالفقار شمشیر عاص بن منبه بود و بعد از آن که در جنگ بدر به شهادت رسید، شمشیرش به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید.<sup>۳۲</sup>

**نمونه سوم.** از عایشه نقل شده که با پیامبر صلی الله علیه و آله در عمره رمضان سفر کردم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله روزه‌اش را افطار کرد، ولی من روزه بودم! و پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را شکسته خواند، و من تمام خواندم! وقتی وارد مکه شدیم، گفتم: ای پیامبر صلی الله علیه و آله، افطار کردی و من روزه بودم، شکسته خواندی و من کامل خواندم.<sup>۳۳</sup> سبحانی این روایت را مخالف اجماع مورخان می‌داند که پیامبر صلی الله علیه و آله تنها چهار عمره به جا آورد و همگی در ذی‌القعدة بودند. پس نمی‌توان

۲۹. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳۰. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۶، ص ۹۶.

۳۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳۲. شرح الکافی، ج ۱۲، ص ۳۵۳.

۳۳. سنن الدارقطنی، ج ۳، ص ۱۶۲.

به این حدیث اعتماد و اطمینان کرد.<sup>۳۴</sup>

**نمونه چهارم.** در یک گزارش آمده است که ابوهریره می‌گوید: بعد از آن‌که از غزوه خیبر برگشتیم، شبی به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم و تا زمانی که خورشید طلوع کرد، از خواب بیدار نشدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همه باید این مکان را ترک کنند؛ زیرا اینجا منزلگاه شیطان است. ابوهریره گوید: فرمانش را انجام دادیم، آنگاه آب خواست تا وضو بگیرد، بعد از آن دو سجده به جا آورد، سپس نماز اقامه شد و نماز صبح را به جا آورد.<sup>۳۵</sup>

یکی از نویسندگان گفته این روایت با اجماع و اتفاق مورخان موافق نیست؛ چرا که در این روایت ابوهریره ادعا کرده در غزوه خیبر حضور داشته است؛ در حالی که به اتفاق همه منابع و اجماع مورخان، ابوهریره بعد از رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله به غزوه خیبر مسلمان شد.<sup>۳۶</sup>

**نمونه پنجم.** در یک گزارش تاریخی، عائشه درباره واقعه اسراء حضرت رسول صلی الله علیه و آله چنین گفته:

من [در شب معراج] بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله را [در بستر] غایب ندیدم و سیر او در آن شب، روحانی بود.<sup>۳۷</sup>

علامه طباطبایی این گزارش را ناسازگار با اجماع مورخان دانسته و می‌گوید:

برای درست نبودن این روایت همین بس که مورخان و سیره‌نگاران اتفاق نظر دارند که واقعه اسراء مدت‌ها پیش از هجرت پیامبر [به مدینه] رخ داده، اما ازدواج حضرت با عایشه بعد از هجرت و در مدینه صورت گرفته است و در این باره هیچ اختلاف نظری وجود ندارد.<sup>۳۸</sup>

باید خاطر نشان کرد که حدیث پژوهان این‌گونه نبوده که احادیث را تنها بر موارد اجماعی مورخان عرضه کنند، بلکه گاهی اوقات احادیث را با مطلبی که نزد مورخان، مشهور و معروف بوده نیز نقد کرده‌اند. محدثان روایات را با عباراتی مانند «المعروف بین اهل السیر»، «المشهور بین اهل السیر»، «اکثر اهل السیر»، «التواریخ المعتمده» و «التواریخ المعتمده» نقادی کرده و

۳۴. الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج ۱، ص ۳۴۴.

۳۵. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۷۱.

۳۶. ابوهریره، ص ۱۲۲.

۳۷. الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۵.

احادیث را با مطلبی که اکثر مورخان بر آن بوده یا بین مورخان مشهور بوده یا تواریخ معتبران را ذکر کرده، ردّ نموده‌اند؛<sup>۳۹</sup> برای مثال نمونه‌ای از این گونه موارد را ذکر می‌کنیم:

در یک روایتی وارد شده که امام صادق علیه السلام فرمود: یزید پسر معاویه به قصد حج وارد مدینه شد. شارح کتاب الکافی این روایت را به خاطر مخالفت با گزارش بیشتر مورخان (اکثر مورخان) ردّ کرده؛ چرا که اکثر مورخان بر آن اند که این ملعون نه تنها وارد مدینه نشد، بلکه حتی از شام نیز بیرون نرفت تا در همان جا از دنیا رفت.<sup>۴۰</sup> بنا بر این، تنها اجماع و اتفاق مورخان ملاک ردّ احادیث نبوده، بلکه گاهی اوقات وجود مطلبی در تاریخ معتبر یا مطلبی که مشهور و معروف بین مورخان بوده نیز ملاکی برای ردّ و طرد حدیث بوده است؛ چرا که حدیث واحد در نزد محدثان ظنی بوده، اما اجماع مورخان در نزد آنان یقینی و مطلب مشهور و معروف بین مورخان در نزدشان قریب به اطمینان بوده است.

#### ۲-۴. سکوت تواریخ و کتب سیره

این مورد نیز از جمله قواعد و ضوابطی است که محدثان برای ارزیابی روایات از آن بهره گرفته‌اند. بر اساس این ضابطه حدیث پژوهان روایاتی را که متضمن رویداد و حادثه‌ای باشند، ولی تواریخ هیچ سخنی از آن به میان نیاورده‌اند نپذیرفته‌اند. بنا بر این، سکوت همگی مورخان از حادثه معین و مشخصی با وجود این که انگیزه برای نقل آن زیاد بوده، قرینه قوی است حاکی از این که چنین قضیه و رخدادی اصلاً به وقوع نپیوسته است.

**نمونه اول.** ابراهیم فرزند ابی محمد می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: کنیز نصرانی خدمت‌گزار شماست و شما می‌دانید که او نصرانی است، نه وضو می‌گیرد و نه غسل جنابت می‌کند. فرمود: عیبی ندارد، چون دست‌هایش را می‌شوید.<sup>۴۱</sup> بهبهانی این روایت را ردّ کرده، چرا که معتقد است در تواریخ سخنی درباره کنیز نصرانی برای امام رضا علیه السلام نیامده و سکوت تواریخ دلیل بر نادرستی آن است.<sup>۴۲</sup>

**نمونه دوم.** در یک روایت وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که به خداوند عالمیان و به

۳۹. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص ۵۲۸؛ آیات الأحکام فی تفسیر کلام الملک العلام، ص ۱۹۹؛ مدارک العروة (للبیارجندی)، ج ۲، ص ۳۴۵.

۴۰. الکافی، ج ۱۵، ص ۵۳۵.

۴۱. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۹۹.

۴۲. حاشیة الوافی، ص ۲۰۵.

روز قیامت ایمان دارد، پس نباید بدون لنگ داخل حمام شود.<sup>۴۳</sup> یکی از حدیث پژوهان این حدیث را رد کرده؛ چراکه معتقد است اگر حمامی در زمان پیامبر ﷺ وجود داشت، تواریخ و سیره نویسان به آن اشاره می کردند؛ اما چون در هیچ کدام از تواریخ اشاره نشده که پیامبر ﷺ وارد حمام شد، حاکی از آن است که در حیات حضرت ﷺ حجاز با حمام آشنایی نداشته است.<sup>۴۴</sup>

**نمونه سوم.** زرارہ گوید: در زمان امام باقر علیه السلام بود که از امام صادق علیه السلام پسری دیدم که به او عبدالله فطیم می گفتند، تازه به راه افتاده بود. اشاره به غلام حضرت کردم و به او گفتم: ای پسر! این که در کنار توست کیست؟ در پاسخ گفت: این غلام من است. غلام - در حالی که با او مزاح می کرد - به او گفت: من غلام تو نیستم. کودک گفت: انکار بندگی ما برای تو بدتر است. غلام ضربه ای به آن کودک زد و او به زمین خورد و جان سپرد. او را در سبیدی گذاشته، به بقیع آوردند. امام باقر علیه السلام با پای پیاده روانه بقیع شد و در حالی که بر من تکیه داده، مردم در مرگ فرزندش به او تسلیت می گفتند. هنگامی که جنازه کودک را به بقیع رساندند، امام باقر علیه السلام پیش آمد و بر او نماز خواند و چهار تکبیر گفت، سپس امر فرمود که او را دفن کنند. آن گاه دست مرا گرفته، به گوشه ای رفت و فرمود: بر اطفال نماز گزارده نمی شود، همانا علی علیه السلام چنین بود که امر می نمود اطفال را پس از مردن دفن کنند و بر آنان نماز نمی گزارد و من به خاطر اهل مدینه نماز گزاردم، چون خوش ندارم که بگویند: (شیعیان) بر اطفال خود نماز نمی گزارند.<sup>۴۵</sup>

پژوهش گری این روایت را مردود دانسته، با این استدلال که در کتب سیره و تواریخ سخن از وجود فرزندی برای امام صادق علیه السلام غیر از عبدالله افطح که ادعای امامت بعد از امام صادق علیه السلام داشته، وجود ندارد. بنا بر این، سکوت تواریخ از فرزندی به نام عبدالله فطیم برای امام صادق علیه السلام - که ادعای امامت داشته - حاکی از طرد حدیث است.<sup>۴۶</sup>

**نمونه چهارم.** در روایتی آمده که امام علی علیه السلام فرمود: در زمان خلافتم برخی امور را که خلفای پیشین تغییر داده بودند به حالت قبل (زمان پیامبر ﷺ) برگردانم؛ از جمله این که در

۴۳. الخصال، ج ۱، ص ۱۶۴.

۴۴. نقد الحدیث فی علم الروایه و علم الدرایه، ص ۳۴۷.

۴۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۰۷.

۴۶. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۷، ص ۲۹۱.

خانه‌های را که به مسجد بازمی‌شدند بستم و در خانه‌هایی را که بسته بودند بازکردم.<sup>۴۷</sup> علامه شعرانی این روایت را مردود شمرده؛ چرا که تواریخ اشاره‌ای نکرده‌اند به این‌که خلفای پیش از علی علیه السلام در خانه وی را که به مسجد بازمی‌شد، بستند و در سایر صحابه را بازکردند. بنا براین، چون تاریخ در این مورد سکوت کرده، بنا براین، نمی‌توان روایت را پذیرفت.<sup>۴۸</sup>

#### ۳-۴. نظر به استمرار عمل

برخی از حدیث پژوهان از این ضابطه تاریخی برای اعتبارسنجی احادیث استفاده کرده‌اند؛ چرا که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله زمان تشریح بود و هرگاه خبری از نظر تاریخی ثابت باشد، عمل به آن بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان صحابه نیز ادامه دارد. البته این قاعده در مواردی کاربرد دارد که روایت مربوط به احکام شرعی باشد. شایان ذکر است هر چند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله برخی از سنت‌های حضرت را تغییر دادند، اما کلیت نداشته و به خصوص در حیطه احکام شرعی کمتر دچار تغییر شد. بنا براین، در صورتی که تاریخ از استمرار یک عمل شرعی در زمان بعد از رحلت خبر دهد، می‌توان بر آن اعتماد کرد. یکی از اندیشه‌وران در این خصوص گفته:

هرگاه احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله مختلف باشد، به عملکرد صحابه بعد حضرت توجه می‌شود.<sup>۴۹</sup>

**نمونه اول.** در روایتی وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم، من ازدواج موقت و متعه را برای شما اجازه داده بودم، همان آگاه باشید، به تحقیق خداوند آن را تا روز قیامت و برای همیشه تحریم فرمود. در روایت دیگری نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جنگ خیبر از نکاح متعه و گوشت خران اهلی نهی کرد.<sup>۵۰</sup> محققان روایات مذکور را غیر قابل قبول دانسته‌اند؛ چرا که حقایق تاریخی از استمرار عمل به متعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و در زمان ابوبکر حکایت دارد و حتی در برهه‌ای از خلافت عمر نیز استمرار داشت تا این‌که بعد از رخداد یک قضیه در اواخر خلافت عمر ممنوع شد.<sup>۵۱</sup> در اعتبارسنجی مذکور این آگاهی تاریخی است که محدث

۴۷. الکافی، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۴۸. همان

۴۹. الحاشیه علی سنن ابی داود، ج ۹، ص ۱۸۶.

۵۰. الرسائل التسع، ص ۱۶۹.

۵۱. الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج ۱، ص ۵۴۱؛ مسائل فقهیه، ص ۷۹.

را مدد می‌رساند تا به عملکرد صحابه در مورد عملی مشخص آگاه شود و چون گزارش‌های تاریخی حکایت از استمرار فلان عمل در زمان صحابه داشته، پس روایت مخالفش را نادیده گرفته است.

**نمونه دوم.** در روایت دیگری وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله کشتگان احد را غسل نداد و بر آنان نماز نخواند.<sup>۵۲</sup> مازندرانی این روایت را مردود دانسته؛ چرا که تاریخ از سیره اصحاب در نماز خواندن بر شهدا حکایت دارد؛ یعنی تاریخ از استمرار این عمل توسط اصحاب از گذشته تا اکنون خبر می‌دهد. بنا بر این، این روایت به خاطر مخالفت با سیره و استمرار آن مردود است.<sup>۵۳</sup>

به نظر می‌رسد محدثان و فقهای شیعه این قاعده را در مورد روایاتی که از ائمه رسیده نیز به کار گرفته‌اند؛ بدین معنا که در حکم فقهی که روایات ائمه مختلف بوده، قاعده «عمل اصحاب» را به کار گرفته‌اند. آنچه که محدث را یاری می‌رساند تا از سیریک عمل و حکم فقهی مشخص از گذشته (عصر ائمه علیهم السلام) تاکنون آگاه شود تاریخ است یعنی حدیث پژه باید با نظر به ادوار شیعه از گذشته تاکنون در مورد فلان حکم، نظر کند که به چه شیوه عمل کرده‌اند و همان می‌تواند قرینه‌ای برای ردّ روایت مخالف باشد؛ برای مثال در روایتی صدوق نقل کرده که نماز خواندن در لباسی که شراب به آن رسیده باشد اشکالی ندارد؛ چرا که خداوند شراب را حرام کرده، ولی نماز خواندن در لباسی که شراب به آن رسیده اشکالی ندارد. محدثان این روایت را مخالف عمل اصحاب از گذشته تاکنون دانسته‌اند.<sup>۵۴</sup> در واقع محدث برای آگاهی از عمل اصحاب نسبت به این حکم نیاز به تتبع عملکرد اصحاب از عصر ائمه تاکنون دارد، یا این که این عملکرد سینه به سینه توسط مشایخ به وی رسیده باشد که در واقع نوعی آگاهی تاریخی است.

#### ۴-۴. اعتماد به منابع دست اول

یکی از مورخان دست‌یابی به روایت تاریخی صحیح را درگروتکیه و اعتماد به منابع دست اول می‌داند و معتقد است تکیه بر منابع دست اول ما را به حقیقت تاریخی نزدیک می‌کند؛ چرا که مورخ در تدوین بردودسته از منابع تکیه می‌کند:

۵۲. معرفة السنن والآثار، ج ۵، ص ۲۵۲.

۵۳. شرح فروع الکافی، ج ۲، ص ۲۸۱.

۵۴. مناهج الأخیاری فی شرح الاستبصار، ج ۱، ص ۲۳۸.



**الف) منابع دست اول.** به منابعی گفته می‌شود که نویسندگان آن‌ها خود شاهد حوادث و وقایع بوده و آنچه نوشته‌اند از مشاهدات خود ایشان است. این منابع از آن جهت معتبر هستند که هدف نویسندگان از نگارش آن نوشته ثبت و ضبطش به عنوان سند و مدرکی تاریخی نبوده، بلکه به خاطر اجرایی و عملیاتی کردن امور محوله بوده است. این گونه شواهد عینی و فیزیکی به دلیل ماهیت عینی‌شان حاوی داده‌های تاریخی انکارناپذیرند که اطلاعات روشن و ارزشمندی از تاریخ مربوط به دست می‌دهند که کمتر قابل مناقشه خواهد بود.

**ب) منابع دست دوم.** منابعی هستند که نویسندگان آن‌ها خود شاهد حوادث و وقایع نبوده‌اند، بلکه آنچه را در این باره از دیگران شنیده یا خوانده‌اند، نقل کرده‌اند. هدف نویسندگان‌شان نیز این بوده که این نوشته به عنوان سندی تاریخی باقی و محفوظ بماند. این گونه منابع به دلیل متأثر شدن از اسباب و علل مختلف از اعتبارشان کاسته شده است.<sup>۵۵</sup>

#### ۴-۵. مورد نقد قرار گرفتن به شیوه محدثان

تعدادی از مورخان برآن‌اند برای این که رویدادها و حوادث تاریخی به درجه‌ای از اطمینان و اعتماد برسند، بهترین و صحیح‌ترین روش آن است که قواعد مصطلح الحدیث بر روی آن‌ها پیاده شود. اسد رستم از مورخان معاصر کتابی با عنوان *مصطلح التاريخ* نوشته که آن را از مصطلح الحدیث برگرفته و با وجود آن که مسیحی است و هیچ تعصبی نسبت به حدیث ندارد، استفاده از قواعد حدیث برای تاریخ را ضروری می‌داند. وی معتقد است نقدهای داخلی و خارجی که اینک بر روی گزارش‌های تاریخی صورت می‌گیرد و غربی‌ها داعیه‌دار آن هستند، محدثان مسلمان قرن‌ها پیش بدان اشتغال داشته‌اند.<sup>۵۶</sup>

مورخ دیگری همسویا اسد رستم می‌گوید:

تاریخ برای صحت و اتقان محتاج به این است که تحت نقد و ارزیابی قرارگیرد. بهترین شیوه‌ای که مورخان بدان دست یافته‌اند و گزارش‌های تاریخی را با آن اعتبارسنجی کرده، همان قواعد حدیثی است.<sup>۵۷</sup>

۵۵. المدخل الی علم التاريخ، ص ۳۳.

۵۶. مصطلح التاريخ، ص ۹۱.

۵۷. بحوث فی تاریخ السنه المشرفه، ص ۲۷۴.

با توجه به گفته این مورخان، دست‌یابی به یک گزارش تاریخی صحیح و مطمئن مرهون پیاده‌سازی قواعد حدیثی است. بنا براین، حدیث پژوه نیز که نیاز دارد بریک گزارش تاریخی مطمئن آگاه باشد تا حدیث را برآن عرضه کند، باید گزارش‌های مختلف تاریخی که در رابطه با حدیث مورد بررسی، در اختیار دارد را با همان شیوه نقادی محدثان بررسی کند یعنی باید از اصالت و درست بودن منابع تاریخی آگاهی یابد همچنین از هویت مورخان و شخصیت آنان مطلع شود. سپس در متن گزارش‌ها دقت و موشکافی کند که آیا به درستی گزارش شده‌اند یا خیر؟

### دستاوردها

۱. رخدادهای عواملی مانند نقل به معنا، تقیه، نسیان و سهو در روایان و ناقلان و نیز پیدایش جعل و وضع در حوزه حدیث لزوم نقد و اعتبارسنجی احادیث را بایسته کرده است.
۲. از آنجایی که نقد و ارزیابی سندی با محدودیت‌هایی همراه است، ناقدان تنها به ارزیابی سندی بسنده نکرده بلکه متون و محتوای احادیث را نیز مورد نقد و بررسی قرار دادند.
۳. درباره چرایی ملاک قرارگرفتن تاریخ برای اعتبارسنجی احادیث، چند نظر مطرح شده، برخی اعتماد پیشینیان به تاریخ برای ارزیابی را دلیل آورده برخی دیگر یقینی و قطعی بودن مسلمات تاریخی را دلیل آورده و برخی نیز اجتهادی نبودن قضایای تاریخی را دلیل آورده‌اند.
۴. وقتی چیزی بخواهد محک و میزان برای ارزیابی دیگر چیزها قرار بگیرد، لازم است تحت ضوابط و شرایطی صورت بگیرد تا منجر به اختلال نشود. در این پژوهش پنج ضابطه برای معیار قرارگرفتن تاریخ پیشنهاد شد تا ناقدان با در اختیار داشتن آن‌ها بتوانند نقد بهتری انجام دهند که عبارت‌اند از: الف) اجماع مورخان، ب) سکوت تاریخ، ج) استمرار عمل در زمان اصحاب، د) اعتماد به منابع دست اول، ه) مورد نقد قرارگرفتن به شیوه محدثان.

### کتابنامه

- ابوهریره، عبدالحسین شرف‌الدین، بیروت، دارالزهراء، ۱۹۸۵م.
- احیای فکردینی در اسلام، محمد اقبال لاهوری، ترجمه: احمد آرام، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، بی‌تا.
- اصول منهج النقد عند المحدثین، عصام احمد البشیر، بیروت، مؤسسه الریان، ۱۴۱۲ق.

- الإیضاف فی مسائل دام فیها الخلاف، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- آیات الأحكام فی تفسیر کلام الملک العلام، محمد بن علی استرآبادی، تهران: کتابفروشی معراجی، چاپ اول، ۱۳۹۴ق.
- بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب، عبدالعزیز الدوری، بیروت، دارالمشرق، چاپ دوم، ۱۹۹۳م.
- بحوث فی تاریخ السنه المشرفه، اکرم ضیاء العمری، مدینه منوره، مکتبه العلوم والحکم، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ق.
- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، محمد بن حسن صفار، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- التفسیر والمفسرون، محمد حسین ذهبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- التنبيه والإشراف، علی بن حسین مسعودی، تحقیق: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، مکتبه الشرق الاسلامیه، ۱۳۵۷ق.
- تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: خرسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الجامع لأحكام القرآن، شمس الدین قرطبی، تحقیق: أحمد البردونی، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۸۴ق.
- جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام (ترجمه الخرائج والجرائح)، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
- حاشیه الوافی، محمد باقر بهبهانی، قم: مؤسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- الحاشیه علی سنن ابی داود، شمس الدین ابن قیم الجوزیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- دراسات فی منهج النقد عند المحدثین، محمد علی قاسم العمری، اردن، دارالنفائس للنشر والتوزیع، ۲۰۰۰م.
- الرسائل التسع، محقق حلّی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

- روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- سنن الدارقطنی، ابوالحسن دارقطنی، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۴ق.
- شرح الکافی، محمد صالح مازندرانی، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
- شرح فروع الکافی، محمد صالح مازندرانی، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم: دارالحدیث للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، قاضی عیاض، عمان، دارالفيحاء، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دارإحياء التراث العربي، بی تا.
- عقل مانع تحريف وعامل تعميم نهضت حسینی، محمد منصورنژاد، ناشر محمد منصورنژاد، بی تا.
- فلسفة تاریخ ابن خلدون، محسن مهدی، ترجمه: مجید مسعودی، تهران: بنگاه ترجمه ونشر کتاب، ۱۳۵۸ش.
- قرآن شناسی، محمد مهدی فولادوند، تهران: الست فردا، ۱۳۸۰ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: دارالحدیث للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- كشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- الکفایة فی علم الروایة، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: أبو عبد الله السورقی، مدینه منوره، المكتبة العلمية، بی تا.
- کیفیت تحلیل و نقد حدیث، ابراهیم ابراهیمی، اراک، جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- مدارک العروة (للبيارجمندی)، یوسف آرام حائری بیارجمندی خراسانی، نجف اشرف، مطبعة النعمان، چاپ اول، بی تا.
- المدخل الى علم التاريخ، عبدالرحمن الشیخ، ریاض، دارالمريخ للنشر، ۱۴۰۵ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الإسلامية،

- چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالحسن بن علی مسعودی، لبنان، تحقیق: کمال حسن مرعی، مکتبه العصریه، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- المسائل السرویه، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مسائل فقهیه، شرف الدین عاملی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
- مصطلح التاريخ، اسد رستم، قاهره، مرکز تراث للبحوث والدراسات، چاپ اول، ۱۴۳۶ق.
- معرفة السنن والآثار، أحمد بن حسین أبو بکر بیهقی، تحقیق: عبد المعطی أمين قلعجی، بیروت، دار قتیبة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- مقدمه ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، ترجمه: پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۴ش.
- مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار، میر سید احمد علوی عاملی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، بی تا.
- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، حسن بن یوسف حلّی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- منهج الامام ابن حجر فی توثیق متون السنه النبویه، ثامر بن سلیمان الاسطل، غزه (فلسطين)، ۲۰۰۸م.
- منهج البحث التاريخی، حسن عثمان، قاهره، دار المعارف، چاپ هشتم، ۱۹۶۴م.
- منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، صلاح الدین ادلبی، بیروت، دار الافاق الجدیده، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسن حوزه علمیه قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- نقد الحدیث فی علم الروایه و علم الدرايه، حسین حاج حسن، بی تا.
- نقد المتن عند المحدثین، إبراهيم بن محمد السعوی، مکتبه الألوكة، ۲۰۱۶م.
- «اعتبارسنجی نقد حدیث بر پایه علوم تجربی»، مهدی آشناور، فصلنامه مطالعات فهم حدیث، سال ۱۳۹۷ش، ش ۱.

- «تقدم تجویزی نقد سند یا متن»، قاسم بستانی، فصلنامه مطالعات فهم حدیث، سال ۱۳۹۵ش، ش ۲.
- «روش تاریخ‌نگاری محمد بن جریر طبری (پیوند تاریخ و حدیث)»، جلال محمودی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال ۱۳۹۳ش، ش ۳۸.
- «روش‌ها و معیارهای نقد متن حدیث در آثار شیخ مفید»، علی نقی خدایاری، فصلنامه علوم حدیث، سال ۱۳۸۹ش، ش ۲.
- «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث»، زهرا نفیسی، مقالات و بررسی‌ها، سال ۱۳۸۰ش، ش ۷۰.
- «نقد متنی و محتوایی احادیث و نقش آن در توثیق و تضعیف راویان»، علی اکبر خدامیان آرنانی، فصلنامه حدیث حوزه، سال ۱۳۹۴ش، ش ۱۰.
- «نقل به معنا در حدیث؛ ابعاد و آثار آن»، محمد تقی اکبرنژاد، فصلنامه کاوشی نو در فقه، سال ۱۳۸۷ش، ش ۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی